



**ابراهیم راستیان** پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده با بیان ویژگی‌هایی، خبر از قومی می‌دهد که به استناد برخی منابع، پیامبر اکرم(ص) با اشاره به سلمان فارسی، این قوم را از نسل او دانستند. تطبیق و تعیین مصداق امری اصولی نیست ولی می‌توان برخی ویژگی‌های نسل سلمان را در مکتب امام خمینی(ره) جست‌وجو کرد و سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی، مصداق بارز کسی است که این مکتب را زندگی کرد.

نویسنده در یادداشت حاضر با استناد به خصوصیت‌های قوم ممتاز در آیه‌ای که در ابتدا بیان شد، به تبیین برخی ویژگی‌های آن شهید والامقام پرداخته است. محبوب خدا بودن، دافعه و جاذبه مؤمنانه، جهاد مادام‌العمر و نترسیدن از سرزنش دیگران از جمله این ویژگی‌ها است.

■ ■ ■

«بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَنَّ اللَّهُ بِقَوْمٍ بِحَيْثُ هُمْ» وَ يَجُوبُهُ أَذًى عَلَى الْمُؤْمِنِينَ آفَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ بِيَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده به تعبیر علامه طباطبایی رحمت‌الله علیه پیشگویی کرده است!<sup>۱</sup> در این آیه خداوند به افرادی که ایمان آورده‌اند، چنین می‌فرماید: اگر از دین الهی مرتد شوید، خدا قومی را جایگزین شما می‌کند که این قوم چند ویژگی دارد؛ اول اینکه خدا آنها را دوست دارد و آنها خدا را دوست دارند، دوم اینکه در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سفت و سخت هستند، سوم اینکه اهل جهاد در راه خدا هستند و آخرین ویژگی‌شان این است که از سرزنش ملامت‌کنندگان ترسی ندارند. تمام این ویژگی‌ها نشان می‌دهد خداوند متعال قوم خاصی را مد نظر دارد که این قوم در قرآن پیشگویی شده است. در برخی روایات شان نزول آیه چنین بیان شده که پیامبر شریف در این شأنه سلمان گذاشتند و فرمودند: این قوم از نسل سلمان است! هر چند به دنبال تعیین مصداق درباره این پیشگویی قرآن کریم نیستیم



ولی می‌توان برخی خصوصیات نسل سلمان را در مکتب امام خمینی(ره) جست‌وجو کرد؛ مکتبی که تداوم مکتب تشیع در دوران معاصر است و تربیت‌یافتگان مکتب او شهیدانی هستند که چراغ راه هدایت بشریت‌اند. یکی از آنهاییی که در این مکتب زندگی کرد و از مصدیق آیه فوق شد، حاج‌قاسم سلیمانی بود؛ سلیمانی که از نسل سلمان است و شاگرد مکتب امام و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، خود یک مکتبی است که راه صحیح را نشان انسان می‌دهد. قاسم سلیمانی یک شخص نیست، بلکه یک جریان است که راه او، مرام او و مسلک او باید حفظ شود تا مکتب امام خمینی(ره) حفظ شود، تا مسلک تشیع حفظ شود و مسیر رسیدن به ظهور هموار شود.

نویسنده ناتوان‌تر از آن است که بخواهد مؤلفه‌های مکتب سلیمانی را بیان کند، با این حال در یادداشت حاضر با استناد به آیه‌ای که در ابتدا بیان شد و ویژگی‌هایی که در آن آیه برای آن قوم ممتاز ذکر شده، به تبیین برخی ویژگی‌های آن شهید والامقام پرداخته است.

■ **محبوب الهی**

اولین ویژگی‌ای که در این آیه بیان شده این است که خدا این قوم را دوست دارد و آن قوم خدا را دوست دارند. دوست داشتن خدا به نحو مطلق است و هیچ قیدی ندارد و این مقام بسیار والایی است. برای اینکه قدری این محبت را درک کنیم کافی است بخشی از وصیت‌نامه این شهید بزرگوار را با هم مرور کنیم؛ وصیتی که بحق، قلب و هر انسان آزاده‌ای را می‌رزاند: «عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن است! کسی که ۴۰ سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را ملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران. عزیزم من از بی‌جفاقرای و رسوای ماندگی، سسر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، محرم، به گرم‌ت دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوستت دارم. خوب می‌دانی جز تو از نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن. ا.ا. معبود من، عشق من و معشوق من، دوست دارم. بارها تو را دیدم



و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن چنان که شایسته تو باشم.»

بی‌شک محبت حاج‌قاسم به خدا نتیجه محبت خدا به حاج‌قاسم است و البته این محبت خدا یک رازی دارد؛ رازی که مسیر محبت خدا به انسان را نشان می‌دهد. خداوند در آیه ۳۱ سوره آل‌عمران این مسیر را توضیح می‌دهد: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ». خداوند متعال از زبان رسولش چنین می‌فرماید: بگو اگر خدا را دوست دارید از من ولی خدا تبعیت کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد. رمز اینکه انسان بخواهد محبوب خدا شود، تبعیت از ولی خداست و چه خوب حاج‌قاسم از ولی زمان خودش تبعیت کرد و محبوب خدا شد.

■ **دافعه و جاذبه مؤمنانه**

یکی دیگر از ویژگی‌های حاج‌قاسم که در این آیه هم به عنوان ویژگی قوم شاخص الهی بیان شده، عبارت است از شدت خشوع در برابر مؤمنان و شدت خشم نسبت به کفار. به تعبیر علامه طباطبایی(ره)، عدم اعتنا به عزت کاذب کفاری که به امر دین خدایی توجه هستند و سراسر به دنبال آبادانی دنیا می‌دوند. این ویژگی شبیه آیه ۲۹ سوره فتح است که می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَقْبَارُهَا» الْكُفَّارُ رَحِمًا بَيْنَهُمْ». همه در رسانه بارها دیده بودیم که وقتی حاج‌قاسم با مردم محروم دیدار می‌کرد یا زمانی که برای امدادرسانی مادی و معنوی، خود را به مناطق آسیب‌دیده در سیل و زلزله و… می‌رساند، چقدر نسبت به مردم متواضع و خاشع بود ولی همین حاج‌قاسم وقتی در خطاب به مستکبران جهان سخنرانی می‌کرد چقدر باعزت و باصلابت بود. سخنان شهید سلیمانی را فراموش نمی‌کنیم که خطاب به رئیس‌جمهور مستکبر آمریکا با چه صلابتی فرمود: «رامسب قماربازا! در آنجایی که فکر نمی‌کنی، نزدیک شما هستیم.»

این بیان مقام معظم رهبری که در وصف امیرالمومنین است، بحق شایسته حاج‌قاسم، شاگرد مکتب امام علی(ع) هم هست؛ تا آن‌سنانی که در میدان جنگ آن‌جور می‌جنگد، وقتی سر و کارش با یک خانواده یتیم‌دار

#### ایستادگی و بندگی؛ راهبرد جاودان شهید سلیمانی

## مدافع حریم انسانیت

مرگ بیمی در دل نداشت. این روحیه خوفناپذیر سبب شد در بحرانی‌ترین مناطق جنگی حضور یابد و به‌رغم تهدیدهای بی‌وقفه، راه خود را ادامه دهد. بسیاری از همراهانش گفت‌اند او نه‌فقط از مرگ هراسی نداشت، بلکه مشتاقانه در پی شهادت بود برای کسی که عظمت و جمال الهی را لمس می‌کند، جز رسیدن به قرب محسوب و زیارت معبود، جاذبیتی نمی‌ماند.

۶- **تثبیت مزیندگی کفر و ایمان**

آنچه شهید سلیمانی را از یک فرمانده نظامی صرف فراتر برد، «نگاه کلان انسانی» او بود. او در هر نقطه‌ای که رنج‌کشیدگان و ستم‌دیدگانی را می‌یافت، آنان را بخشی از بدنه «جبهه مقاومت» می‌دانست و برای‌شان خطر می‌کرد. حضورش در جبهه‌های سوریه، عراق، لبنان و حتی اهتمامش نسبت به محرومان افغانستان و پاکستان، گواهی بود بر اینکه مرزهای جغرافیایی برای او معیار نبودند؛ معیار، «دفاع از حقیقت» و «کرامت انسانی» بود. از همین رو، پس از شهادتش دیدیم که شماری از پیروان ادیان مختلف هم او را می‌ستودند، چون می‌دانستند او اگر سلاح به دست می‌گرفت، برای آزادی و امنیت‌شان بود، نه سلطه‌جویی یا قدرت‌طلبی.

۷- **تثبیت مزیندگی کفر و ایمان**

در سنت الهی آمده است هرگاه صف مؤمنان از اهل کفر و نفاق جدا شود، مجازات ستمکاران آغاز می‌شود. شهادت شهید سلیمانی، عامل تسریع در این جدایی شد. پس از آنکه دشمنی آشکار قدرت‌های استکباری با جبهه مقاومت علنی‌تر شد، ملت‌های آزاده جهان با هوشمندی بیشتری هویت این جبهه را شناختند. در واقع، ریخته شدن خون شهید در عرصه بین‌الملل، چهره آمریکا و متحدانش را رسوات ساخت و آنان را واداشت تا به جای پنهان‌شدن پشت نقاب‌های فریب، آشکارا جانب باطل را گرفته و ادعای دروغین خود درباره صلح‌طلبی را کنار بگذارند. به این ترتیب، جوانان مؤمن نیز عزم‌شان برای استمرار مبارزه و جهاد جزم‌تر شد.

۸- **بنیان‌گذاری راهبرد منطقه‌ای و جهانی**

شهید سلیمانی اگرچه در صحنه مبارزه نظامی یک‌فرمانده مقتدر بود اما افق دید او به‌مراتب گسترده‌تر از یک‌نبرد محدود تلقی می‌شد. او «راهبرد سی» را پایه‌گذاری کرد که به جای واکنش‌های زودگذر، زیرساخت‌های پایدار و نیرومندی را در کشورهای مختلف شکل داد و فاصله گروه‌های مقاومت را با

می‌افتد، آن‌جور با یتیمان همراهی می‌کند، خم می‌شود، بچه یتیم‌ها را بازی می‌دهد، روی دوش خودش سوار می‌کند. اینها اصلا همان چیزهایی است که ربطی به این ندارد که ما متدین باشیم و به چه دینی متدین باشیم تا اینها را احترام کنیم. هر انسانی در مقابل این عظمت وقتی قرار می‌گیرد احساس خضوع و تعظیم می‌کند».<sup>۲</sup>

■ **یک عمر جهاد**

یکی دیگر از ویژگی‌های این قوم، جهاد در راه خدا ذکر شده است. علامه طباطبایی(ره) می‌فرماید: طبیعتا کسی که محبوب خداست و ۲ ویژگی بارز جاذبه و دافعه مؤمنانه دارد، تمام خوبی‌ها را داراست و از تمام رذایل به دور است و یکی از ویژگی‌های چنین انسانی جهاد در راه خداست ولی باز خداوند متعال جهاد را از دیگر فضایل انسانی متمایز کرده است، چراکه تمام این فضایل به واسطه جهاد احیا می‌شوند. جهاد مراتبی دارد که کوچک‌ترین آن مبارزه مستقیم با کفار و منافقان است و بالاترین مرتبه آن، جهاد با نفس اماره است که با عنوان جهاد اکبر در روایات بیان شده است. در جهاد اکبر انسان با خواسته‌ها و گرایش‌های مادون خود مبارزه می‌کند تا بتواند حقیقت الهی خودش را بروز دهد و حکومت وجود خود را در اختیار قوای عقلانی خود قرار دهد.

کسی که اهل جهاد می‌گردد، یقینا اهل جهاد اصغر هم خواهد بود با این تفاوت که جهاد را صرفا در یک برهه زمانی نمی‌بیند و تمام زندگی او رنگ و بوی جهاد می‌گیرد. خیلی‌ها همراه حاج‌قاسم در ۸ سال دفاع مقدس، خط مقدم جهاد بودند ولی بعد از پایان جنگ احساس کردند دیگر جهاد تمام شده است یا شاید فقط جهاد را جهاد اصغر می‌دانستند. حتی عده‌ای پس از جنگ در جهاد اکبر شکست خوردند و منحرف شدند، ولی حاج‌قاسم نشان داد که جهاد یک زیست دائمی مبارزه حق با باطل است و محدود به زمان و مکان خاصی نیست. به همین خاطر جهاد حاج‌قاسم، در کلام رهبر انقلاب، جهاد بزرگی بود: «جهاد سردار شهید قاسم سلیمانی جهاد بزرگی بود و خداوند نیز شهادت او را شهادت بزرگی قرار داد. حاج‌قاسم باید همین‌جور به شهادت می‌رسید. خوشا به‌حال حاج‌قاسم که به آرزویش

## انديشه [ وطن‌امروز | شماره ۴۲۲۲ شنبه ۱۵ دی ۱۴۰۳ ]

رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می‌ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود».<sup>۳</sup>

حاج‌قاسم نشان داد تمام زمین‌ها کربلاست و تمام زمان‌ها عاشوراست و در نهایت همچون علمدار کربلا تا آخرین لحظه زندگی، در راه خدا جهاد کرد و به مقام والای شهادت رسید: «أَشْهَدُ أَنْكَ قَبِلْتَ مَطْلُومًا وَ أَنْ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ».<sup>۴</sup>

■ **نترسیدن از سرزنش**

آخرین ویژگی که در این آیه برای این قوم ممتاز بیان شده است، نترسیدن از سرزنش ملامت‌کنان است. علامه طباطبایی(ره) می‌فرماید: هر چند این قید بعد از جهاد در راه خدا آمده است ولی محدود به این ویژگی نیست و تمام ویژگی‌های قبلی را دربر می‌گیرد. کسی که محب خداست، صرفا رضایت الهی را مد نظر دارد و به دنبال کسب محبت الهی است و بر همین اساس در برابر مومنین متواضع و با کفار سفت و سخت و داتما در مسیر سلوک الهی در حال جهاد است.

اهل دنیا که ملاک و معیار خوبی‌ها و بدی‌های‌شان متفاوت است، از اساس نمی‌توانند تواضع در برابر مؤمنان را درک کنند و حتی از آن بالاتر، نمی‌توانند بفهمند که چرا باید در برابر مستکبران، متکبر بود؛ مستکبرانی که با کفر و عنود و انانیت، دنیای مردم و آخرت خودشان را به آتش می‌کشند. گویا برخی برخلاف صریح آیه الهی با مستکبران عالم مهربان و با مؤمنان سخت و خشن هستند. آشکار است چنین افرادی نمی‌توانند جهاد در راه خدا را هم درک کنند؛ جهادی که با مبارزه بین جریان حق و باطل شکل می‌گیرد و تا نابودی کامل جریان باطل ادامه خواهد داشت.

حال چنین افرادی را تصور کنید که جریان تاریخی مبارزه حق و باطل را نفهمیداند و به دنبال صلح کل هستند؛ صلحی که در آن حق و باطل، عدل و ظلم، عقل و جهل در آسایش در کنار هم زندگی کنند! یقینا این تفکر شروع به سرزنش شهید سلیمانی خواهد کرد. یقینا این جریان یاوران دین را از هدر رفتن اموال و اتلاف نفوس و تحمل شتایدن و ناملایمات می‌ترسانند. یقینا این جریان شهید سلیمانی را ملامت می‌کنند که چرا با مردم ضعیف و فقیر متواضع ولی در برابر ثروتمندان و مستکبران جهانی که به حسب ظاهر دارای قدرت هستند، اینقدر سفت و نفوذناپذیر است.

کسی که اهل جهاد اکبر نباشد، بدون شک در این جبهه شکست می‌خورد و متناسب بسا معیارها و شاخص‌های اهل دنیا خودش را تربیت می‌کند. شهید سلیمانی قبل از شهادت ظاهری، در جهاد اکبر به مقام شهادت رسیده بود؛ شهادتی که در آن نفس اماره ذبح شده بود و به تبع آن، خوبی‌ها و بدی‌هایش با اهل دنیا فرقی می‌کرد و از آنجا که عاشق خدا بود، سرزنش اهل دنیا درازدهای او را از مسیر حق منحرف نکرد. در نهایت یادش زندگی شهیدانه‌اش را که همان شهادت در راه خدا بود دریافت کرد.

هر که را صبح شهادت نیست، شام مرگ هست/ بی‌شهادت، مرگ با خسران چه فرقی می‌کند!

-----

بی‌نوشت

۱- در نوشتار به برخی از عبارت‌های تفسیر المیزان ذیل آیه ۵۴ سوره مائده اشاره شده است و برای مطالعه بیشتر آیه مذکور به جلد ۵ المیزان صفحات ۳۸۰ تا ۳۹۰ رجوع کنید.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقتشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر - ۱۳۹۵/۶/۳

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده شهید سلیمانی - ۱۴/۰۱/۹۸

۴- زیارت‌نامه حضرت عباس علیه‌السلام

### سلمان مالکی خبرنگار

یادداشت حاضر می‌کوشد در حد بضاعت اندک خود ابعاد گوناگون شخصیت و منش شهید سلیمانی را واکاوی کند؛ مجاهدی که با ایستادگی در برابر استکبار، درهای نوینی را به سوی مفاهیم «ولایت‌مداری»، «مقاومت» و «خدمت به بشریت» گشود. سخن از او، سخن از مکتبی است که نه‌تنها در مقام نظر، بلکه در عرصه عمل نیز الگوهای بی‌دیلی را پیش روی جامعه نهاد. در این نوشتار، با تمرکز بر ویژگی‌های بنیادین ایشان، رویای مختلفی از حیات علمی، عملی و معنوی سردار دل‌ها را مرور می‌کنیم؛ ویژگی‌هایی که به‌خوبی می‌توانند راه را بر آیندگان بگشایند و آنان را در فهم هرچه عمیق‌تر «انسان مؤمن تراز انقلاب» یاری رسانند.

۱- **صدق باطن**

از جمله رازهای ماندگاری بزرگان دینی و انقلابی، «همسانی ظاهر و باطن» آنان است. در کلامی منسوب به حدیث قدسی آمده است اگر ظاهر انسان بر باطنش برتری یابد، او نزد خداوند محکوم و دشمن حق محسوب می‌شود اما اگر باطن او از ظاهرش آراسته‌تر باشد، در زمره دوستان واقعی خداوند خواهد بود. شهید سلیمانی مصداق انسان‌هایی بود که نه‌فقط ظاهرشان را صالح کرده بودند، بلکه باطنی پاک‌تر و خالص‌تر از آن داشتند. هر گاه خاطرات هم‌زمان یا نزدیکان او را می‌شنویم، به حقیقتی پی می‌بریم: او هیچ‌گاه در بی‌نمایش و خودنمایی نبود. هر چه صبر و استقامتی که از خود بروز می‌داد، ریشه در عمق جانش داشت. سر این «صدق باطن» در عبادت‌های خالصانه او نهفته بود؛ عبادت‌هایی که بسیاری از آنها همچنان در پرده اخفا مانده است.

۲- **جمع میان صفات ظاهر امتضاد**

در سیره اولیای الهی می‌بینیم که چگونه مهربانی و اقتدار، زهد و حماسه، خفا و حضور هم‌زمان در یک وجود جمع می‌شود. آنان که از نزدیک سردار دل‌ها را دیده‌اند، همواره از نگاه پدرانه و محبت‌آمیزش به محرومان سخن می‌گویند؛ همان کسی که در میدان نبرد، سخت‌ترین معرکه‌ها را مدیریت می‌کرد و هراسی از شلیک تیر دشمن نداشت. این «جمع میان صفت» را می‌توان از الگوبرداری عمیق او از امیرالمومنین(ع)